

فوائد علم تاریخ در نگاه فضل الله بن روزبهان خنجی

• مریم رنجکش

زمینه سیاسی و تاریخی:

تیمور در سال ۸۰۷ هـ ق از دنیا رفت؛ با مرگ وی امپراتوری وسیع او تجزیه شد. شاهرخ پسر کوچک وی حکومت بخشی از آسیای مرکزی را در دست گرفت و عثمانی‌ها نیز در غرب ایران امپراطوری مقتدری را تأسیس کردند. با مرگ تیمور و ضعف جانشینانش، ترکمانان قراقوینلوها و آق‌قوینلوها حکومتی مستقل در عراق و آذربایجان تشکیل دادند و سرانجام اوزن حسن، سلطان آق‌قوینلوها در سال ۸۷۲ هـ ق. بر جهان شاه، حاکم قراقوینلوها و پس از آن به جانشینان تیمور دست یافت و بدین ترتیب مالک گستره وسیعی از سیراس تا شام، عراق عرب و عجم، شیروان، فارس، کرمان تا خلیج فارس شد. (حسن‌زاده، ۱۰۳، ۱۰۲، ۱۰۱).

با مرگ اوزن حسن در سال ۸۸۲ هـ ق. رشد روز افزون جنبش صفویه و وحشت بازماندگان اوزن حسن از قدرت صفویه، پیوند سیاسی، نظامی و خانوادگی بین رهبران صفویه و سلسله آق‌قوینلو بر علیه دشمن مشترکشان جهان شاه، از هم گسیخت. سرانجام پس از کشمکش‌های بسیار، شاهزادگان آق‌قوینلو با جنبش صفویه و فرزندان حیدر در سال ۹۰۷ هـ ق. اسماعیل به‌عنوان نخستین شاه سلسله صفویه تاجگذاری کرد و بدین ترتیب، حکومتی شیعی و متمرکز در ایران تأسیس شد. (سیوری، ۲۰)

در شرق ایران، ازبکان به رهبری محمد شیبانی از نوادگان چنگیز، با فتح سمرقند و بخارا در سال ۹۰۶ هـ ق به فرمانروایی تیموریان در آن منطقه پایان دادند، ولی محمد شیبانی در سال ۹۱۶، در نبرد با شاه اسماعیل جان باخت. (همان، ۵۰) در سال ۹۱۸ هـ ق. ازبکان به رهبری عبیدالله‌خان با صفویان جنگ دیگری آغاز و تا خراسان پیشروی کردند. خطر هجوم دشمنی قوی‌تر در غرب ایران، یعنی عثمانی، از توجه شاه اسماعیل به ماوراءالنهر کاست. بدین ترتیب، وجود دو حکومت سنی در همسایگی ایران، در غرب امپراتوری عثمانی و در شرق ازبکان، موجب شد که مسائل ایدئولوژیک به تخاصمات سیاسی شدت ببخشد.

زندگی‌نامه فضل‌الله بن روزبهان خنجی و خاندان وی ۸۶۲

هـ ق «؟» «۹۲۵ هـ ق؟

فضل‌الله بن روزبهان خنجی اصفهانی، معروف به خواجه ملا و ملقب به امین، حدود سال ۸۶۲ هـ ق در شیراز تولد یافت. دوران کودکی وی در شیراز گذشت، پس از خواندن قرآن و عربی و مقدمات دانش آن زمان، در سن ۱۷ سالگی به حج رفت (عالم‌آرای امینی، ۶۴-۶۵). در این سفر «حاوی صغیر» را خواند. پس از بازگشت به وطن، مجدداً در ۲۵ سالگی عازم حجاز شد.

در مدینه، حجاز و مصر توقف کرد و در آنجا احیای علوم دین، منهای العابدین، عوارف شیخ سهرورد، صحیح بخاری و صحیح مسلم را نزد شمس‌الدین ابوالخیر محمدالسخاوی المصری خواند (همان ۶۸، ۶۹، ۸۶)؛ این استاد شرح شاگردش، فضل‌الله را در اثر خود الضوء الامع لاهل القرن التاسع آورده است (خنجی، ۱۸۴). فضل‌الله پس از بازگشت به شیراز به تدریس مشغول شد و به تدوین کتاب حل تجدید و حواشی به حواشی شرح جدید و تدوین تعلیقات به کتاب محاکمات پرداخت. وی همچنین، کتاب «بدیع‌الزمان فی قصه‌حی بن یقظان» در بیان نفس ناطقه انسانی به مراتب قوت نظری و عملی به فارسی می‌پرداخت (عالم‌آرای امینی، ۶۹). فضل‌الله برای بار سوم در سال ۸۹۲ هـ ق. قصد عزیمت حجاز کرد؛ در آذربایجان و در سهند به حضور سلطان یعقوب آق‌قوینلو رسید و کتاب «بدیع‌الزمان» را به سلطان یعقوب عرضه کرد.

سلطان یعقوب از او تجلیل کرد و از وی خواست که تاریخ زندگانی او را بنویسد و مؤلف از همان زمان در خدمت سلطان یعقوب و به نگارش عالم‌آرای امینی مشغول شد (همان، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲)

فضل‌الله از خاندان خود اطلاعات چندانی نمی‌دهد. به دنبال شورش حاجی‌بیک، داروغه اصفهان و سرکوب وی توسط سلطان یعقوب، پدر فضل‌الله، یعنی جمال‌الدین روزبهان، همراه سرداران دیگر اصفهانی که در خدمت حاجی‌بیک بودند، به تبریز

از بخش‌های مهم کتاب عالم‌آرای امینی، نظر مؤلف در
خصوص علم تاریخ و فواید آن، ذکر مورخان و مقاصد
هریک است که می‌توان آن را به فلسفه تاریخ از دیدگاه
فضل‌الله تعبیر کرد

شده است؛ قاضی نورالله شوشتری در جواب و رد آن کتاب
احقاق الحق را نوشت.

«مهمان‌نامه بخارا» کتاب دیگر فضل‌الله است. تألیف این
کتاب در سال ۹۱۴ هـ ق در شهر بخارا آغاز شد. این اثر شامل
رویدادهای یکسال و چندماهه سلطنت محمدخان شیبانی است
مهمان‌نامه (۴۳، ۴۴) که با عنوان امام‌الزمان و خلیفه‌الرحمن از
وی یاد می‌شود. بخشی از این کتاب به مباحث فقهی اختصاص
دارد. مؤلف در صدور فرمان غزا علیه ترکان و قزاق‌ها و در جنگ
همراه محمدخان شیبانی بود. از این رو به عنوان شاهد حوادث
جنگ به تشریح آن‌ها پرداخته است. فضل‌الله در قسمت‌هایی از
کتاب، محمدخان را به جنگ علیه صفویه و به تعبیر خود «قزل
برک» (قزل‌باش) تشویق می‌کند (همان، ۴۵، ۵۷).

مؤلف در خلال مطالب کتاب با عبارت‌های ادبی و توصیفی
به اوضاع جغرافیایی، سنن، روابط اجتماعی و اقتصادی منطقه
ماوراءالنهر نیز می‌پردازد (۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸). نگارش این اثر در
جمادی الاولی ۹۱۵ در دارالسلطنه هرات به پایان رسید.

عالم‌آرای امینی اثر دیگر فضل‌الله است؛ مؤلف در سفر
سوم خود به حجاز در ۸۹۲ هـ ق. در حوالی آذربایجان به
حضور «امام» و «حضرت خلافت پناهی» یعنی سلطان یعقوب
می‌رسد و پس از عرضه کتاب بدیع‌الزمان به سلطان و در
نهایت پیوستن به دربار او، به نوشتن کتاب عالم‌آرا مأمور
می‌شود (عالم‌آرای امینی، ۷۱، ۷۳، ۷۰). این کتاب نخست با حمد
و ثنای الهی شروع می‌شود و با ستایش پیامبر (ص) و ذکر
مناقب خلفای راشدین ادامه می‌یابد. او خلیفه چهارم را با القاب
«امیرمؤمنان»، «ولی‌المسلمین»، «سیدالاولیاء» و ... یاد می‌کند.
حتی با ذکر احادیث شیعی چون «اللهم من كنت مولاه فعلى
مولاه» و «لا يحب علياً منافق» و احادیثی مانند آن‌ها، دیدگاه
شیعی و عرفانی خود را نشان می‌دهد (همان، ۱۸). وی در ادامه
شرح تاریخ‌السلام، امام حسن (ع) را امیرالمؤمنان ولایت مسند
امامت می‌داند و اعتقاد دارد که با شهادت امام حسین (ع)، چراغ
دودمان رسالت توسط احفاد امیه خاموش شد (همان، ۲۱، ۲۰).
سپس، با نقل اسامی خلفای عباسی و ویژگی هر یک، سقوط
خلافت عباسی توسط چنگیز و اولادش، خلافت را به دودمان
آق‌قویونلوها پیوند می‌دهد (همان، ۲۲). همچنین، با تقارن اعداد

احضار شد. جمال‌الدین کتاب خود به نام ثمره‌الاشجار را به
یعقوب تقدیم کرد که مورد پسند سلطان قرار گرفت (همان،
۱۶۷، ۱۶۸).

فضل‌الله از طرف مادر با خاندان صاعدی قرابت داشت.
دائی او خواجه جلال‌الدین‌الاسلام اسماعیل صاعدی اهل دانش
و ادب و وزیر پیر بوداق فرزند جهان‌شاه قراقوینلو بود و با سقوط
قراقوینلوها به خدمت اوزن‌حسن، به دیوان محمدبیک اوغورلو
در شیراز پیوست (همان، ۱۲۶، ۱۲۷).

با مرگ سلطان یعقوب در سال ۸۹۶ هـ ق و تجزیه
حکومت آق‌قویونلو و موضع‌گیری و مخالفت شدید فضل‌الله علیه
شیخ جنید، حیدر و شاه‌اسماعیل وی مجبور به جلائی وطن شد و
به دشمن شاه اسماعیل، یعنی دربار محمد شاه شیبانی پناه برد و
مورد استقبال او قرار گرفت و در دربار وی جایگاهی معتبر یافت.
فضل‌الله کتاب مهمان‌نامه بخارا را در آنجا تألیف کرد. پس از
مرگ محمدخان در جنگ با شاه اسماعیل در سال ۹۱۶ هـ ق،
باز دچار سرگردانی شد. در سال ۹۱۸، عبیدالله خان برادرزاده
محمدخان شیبانی، بابرخان تیموری حاکم هندوستان را شکست
داد و فضل‌الله را که در سمرقند به سر می‌برد، به بخارا دعوت
کرد. فضل‌الله در آنجا اثر فقهی سیاسی خود سلوک‌الملوک را
برای عبیدالله‌خان تألیف کرد.

مذهب:

از قراین و آثار و موضع‌گیری‌های فضل‌الله می‌توان دریافت
که وی به مذهب شافعی اعتقاد داشت (مهمان‌نامه بخارا، ۱۷۶)
و در اعتقاد خویش سخت پای‌بند بوده است. در واقع می‌توان
گفت که او در مرتبه نخست فردی متشرع و فقیه است و به طور
تقریبی در همه آثار خود، خاصه سلوک‌الملوک، از جایگاه یک
عالم شافعی به تبیین و توضیح احکام فقهی برمی‌آید.

آثار:

فضل‌الله تألیفات زیادی دارد (عالم‌آرای امینی، مقدمه،
بیست‌وهفت). که به بررسی مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم:
کتاب «ابطال نهج‌الباطل و اهمال کشف‌العاصل» ردیه‌ای
است به کتاب نهج‌الحق حسن‌بن‌سیدالدین بن یوسف بن
مطهر حلی (۷۲۶ هـ ق) که ظاهرأ در سال ۹۰۹ هـ ق تألیف

مؤلف به روش نگارش هشت گروه از تاریخ‌نگاران گذشته
می‌پردازد و ویژگی آثار آنان را که شامل تاریخ عالم، سیرت
انبیاء، قصص، سیر احوال مغازی، تراجم اکابر، سلاطین،
محدثان، صحابه و تابعین می‌شود، نقد و بررسی می‌کند

طبقه از نظرات پیشگامان خودآگاه می‌شوند و این برای هریک
از آن طبقات مفید خواهد بود.

۴- فایده تاریخ برای حکام و سلاطین و اطلاع آنان از احوال
حاکمان و سلاطین گذشته است و آگاهی از اینکه هیچ سلطانی
مالک عالم و تصرف آن دائمی نمی‌تواند باشد. پس از مزایای
سلطه فرد برای به یادگار گذاشتن نام نیک بهره گیرد.

۵- فایده تاریخ برای امرای حرب و ارباب شمشیر این
است که اهل جنگ و شمشیر از طریق توجه به جنگ‌های
فرمانروایان و پهلوانان و تدابیر آنان، تجاربی چون تجارب بازی
شترنج کسب می‌کنند.

۶- فایده تاریخ برای امنای ملک و مال و وزراء این است
که با اطلاع از کارهای امرا و وزیران گذشته و چگونگی اداره
اموال و اعمال سعادت، رونق و آبادی امور مملکت را فراهم
می‌کنند.

۷- فایده تاریخ برای ارباب انتباه، عقلا و آگاهی از احوال
کسانی که اسیر شهوات و تمایلات شده یا نشده‌اند.

۸- فایده تاریخ برای عامه مردم و آن اینکه تاریخ حاوی
سرگذشت فقیر و غنی و سرور و فرودست است و مردم می‌توانند
از هر یک از آنان درس بگیرند (همان، ۷۹-۸۳).

در ادامه، مؤلف به روش نگارش هشت گروه از تاریخ‌نگاران
گذشته می‌پردازد و ویژگی آثار آنان را که شامل تاریخ
عالم، سیرت انبیاء، قصص، سیر احوال مغازی، تراجم اکابر،
سلاطین، محدثان، صحابه و تابعین می‌شود، نقد و بررسی
می‌کند (همان، ۸۳-۸۷).

مؤلف در خصوص وجه تسمیه کتاب خود، یعنی عالم آرای
امینی، می‌گوید: این تاریخ به عالم آرای امینی موسوم می‌شود؛
به مناسبت آنکه حضرت اعلیٰ یعقوب‌خانی به جهان روی به عالم
آرای کرد (همان، ۸۸).

فضل‌الله هفت ویژگی برای کتاب خود بر می‌شمارد:

نخست حسن مطلع (مقدمه) و بسط دیباچه؛ دوم احتراز از
ذکر امور غیر شرعی؛ سوم احتراز از توصیه اعمال خلاف شرع
و نامشروع؛ چهارم فهم آسان مقاصد، حکایات و داستان‌های
کتاب؛ پنجم احتراز از بیان اکاذیب، اعاجیب و اکتفا کردن صرف
به آنچه که از ثقات شنیده یا با دیده خویش دیده و اعراض از

آیه قرآن با تاریخ شروع سلطنت اوزن‌حسن و از روی حساب
جُمَل، به قدرت رسیدن آق‌قوینلوها در ایران را منطبق با وعده
الهی در قرآن می‌داند و بدین ترتیب، برای خاندان آق‌قوینلو
مشروعیت ایجاد می‌کند (همان، ۲۳-۳۲). صفت‌های اخلاقی‌ای
چون دین‌پروری و تقویت شرع را نیز به سلطان یعقوب منسوب
می‌کند (همان، ۳۸-۴۷).

از بخش‌های مهم کتاب، نظر مؤلف در خصوص علم تاریخ
و فواید آن، ذکر مورخان و مقاصد هریک است که می‌توان
آن را به فلسفه تاریخ از دیدگاه فضل‌الله تعبیر کرد. او با استناد
به آیه‌ای از سوره ابراهیم، نقل می‌کند که خداوند به حضرت
موسی امر کرد که «ایام الله» را به قوم بنی‌اسرائیل پند دهد.
وی سپس تعابیر مختلف «ایام» را به نقل از علما و با وقایع و
شواهد مربوط به آن بیان می‌کند و نتیجه می‌گیرد و می‌گوید:
«علم تاریخ و قصص، علم به وقایع امم سالفه و حوادث ماضیه
است و از جمله علمی است که برای پنددهی ضروری است». و
وی علم تاریخ را از علوم ضروریه مهم در دین محمدی صلوات
الله علیه و سلمه می‌داند؛ زیرا تحقیق در برخی از آیات مشتمل
که بر قصص و یا اشاره‌ای به قصه‌ای مرتبط است که در اصل
کتاب موجود نیست و فهم آن تنها از طریق علم تاریخ میسر
و درک آن به علم تاریخ و قصص محتاج‌الیه است؛ از این رو،
آموزش آن از فروض کفایات است.

همچنین، علم تاریخ از نظر وی از علوم عربیه و ادبیه به
حساب می‌آید؛ زیرا ادراک معانی الفاظ کتاب و سنت در مجموع
به آن ربط پیدا می‌کند (همان، ۷۷-۷۸). مؤلف برای طوایف
مردم فواید علم تاریخ را بی‌شمار و مهم‌ترین آن‌ها را هشت
فایده می‌داند:

۱- فایده تاریخ برای ارباب معرفت و حال، آگاهی بر وقایع
روزگار، تحول و تطور شب و روز، عالم و تناوب لطف و قهر
خداوند و گردش مقدرات روزگار است.

۲- فایده تاریخ برای ارباب علم و استدلال: مشاهده
رویدادهای زمانه و تکرار آن و هدایت عقل به وجود خالق
صناعی قدیم، دارای اختیار، واجب الوجود.

۳- فایده تاریخ برای افراد هر طبقه چون مفسران، قراء،
محدثان و فقها ... که پیشگامانی دارند و با استفاده از تاریخ، هر

فضل روزبهان خنجی، نخست اندیشمندی متشرع است. وی حتی زمانی که به تشریح حوادث تاریخی و تاریخ‌نگاری می‌پردازد، بنا به مقتضای شرایط، جهت‌گیری مذهبی و فقهی خود را ابراز می‌کند

عالم زدند و چون امت غایبه، ثالث ثلثه خود را مستحق عقوبت و نکال هاویه کردند. شیخ جنید را به مجاهره «الله»، ولدش را «ابن‌الله» گفتند(همان، ۲۶۴، ۲۶۵).

فضل‌الله طرفداران بی‌شمار او را از روم، طالش و سیاه‌کوه ذکر می‌کند و معتقد است: «همگان او را معبود خویش می‌دانند... و جنابش را قبله و مسجد خود می‌شناختند، شیخ دین اباحت را برایشان ترویج داد و قواعد شریعت خرمیان بایکی در میانشان نهاد». وی در توصیف شجاعت حیدر، بدون تعصب و واقع‌بینانه اعتراف می‌کند که «فی‌الواقع در حد ذات خویش مردی جلد و شجاع بود. در انواع دلیری و فنون جنگی از شمشیرزنی، تیرافکنی، نیزه‌بازی و کمنداندازی مهارتی تمام داشت. اسفندیار آسا چون در جامه آهن رفتی، رستم دستان را زال ساختی و بیژن صفت چون به کوسن پهلوانی نشست، افراسیاب را به خاک انداختی(همان ۲۶۸-۲۶۷).

مؤلف در آخر، به تغییر مشی اَق‌قویلوها نسبت به جنبش صفویه و پیامد و حوادث پس از آن می‌پردازد. و سرانجام کتاب را در تاریخ ۹۲۷ به پایان می‌برد. اثر دیگر فضل‌الله، کتاب سلوک‌الملوک است؛ مؤلف در دلیل تألیف کتاب می‌نویسد که عیب‌الله شیبانی، برادرزاده محمدخان شیبانی، در شب بیستم محرم ۹۱۸، در مزار خواجه احمد یسوی با حضرت حق عهد می‌کند اگر خداوند او را توفیق پیروزی بر بابر شاه جغتایی کرامت کند، وی در طول عمر خود و در امور سلطنت، از احکام شرع تجاوز نخواهد کرد و تمامی امور را به اساس شرع و فتاوی آن عمل خواهد کرد. (سلوک‌الملوک، ۱۰) با شکست بابر، عیب‌الله به نذر خود وفا کرد و فضل‌الله را که در آن زمان در سمرقند به سر می‌برد، به بخارا فرا خواند، و بدین ترتیب، به تألیف رساله فقهی حنفی و شافعی مشغول شد که در آن تمام احکام و قواعد اسلامی مربوط به امام و سلطان را به تحریر درآورد(همان، ۲۰). این اثر شامل یک مقدمه و پانزده باب است و هر یک از این ابواب، فصولی را در بر می‌گیرد. نویسنده برای نگارش این رساله، از آثار علمای حنفی و شافعی پیش از خود بهره جسته است؛ که در خلال تألیف، از علما و فقهایی چون: امام ابوحنیفه (۱۴۹ هـ ق)، فقیه مذهب حنفی، امام ابویوسف (۱۸۲ هـ ق)، احکام السلطانیه ماوردی (۴۵۰ هـ ق)، احیاء العلوم

ذکر جزئیات امور و مبالغه در اموری که موجب دور شدن از مقاصد تاریخ خواهد شد. ششم عمل نمودن به شیوه منشیان و قناعت کردن به نظم روان خود؛ هفتم مشحون نمودن کتاب به لطایف و صنایع ادبی (همان، ۸۹-۸۹).

در جای‌جای کتاب، مؤلف برای هر یک از اعمال سلطان یعقوب و محاربات وی با دشمنان خویش از تعابیر و مفاهیم مذهبی و اسلامی چون جهاد علیه کفار، فرض کفایت، عین، غزا، و مانند آنها استفاده می‌کند و برای تقویت و تحکیم اظهارات خود، از آیات قرآن بهره می‌گیرد(همان، ۲۱۲-۲۱۱).

بخش دیگر کتاب به بنیان‌گذاران حکومت صفویه برمی‌گردد. نگاه فضل‌الله به شیخ صفی‌الدین اردبیلی، جد شاه اسماعیل، توأم با احترام و ستایش است و او را با عنوان نادره، وصیه آفاق و از طایفه ثقات می‌شمرد(همان، ۲۵۹-۲۵۶). وی می‌نویسد: «چون شیخ صفی‌الدین اسحاق از لقمه شبهه احتراز فرموده، دارالملک وجود خود را از تطرف آفت نعیم دنیوی مصون و محفوظ داشت و از تصرف آن طعام فرزند ارجمند را ممنوع نگردانید. لهذا اثر آن در اولاد او سرایت کرد؛ مآل امر به آن منتهی شد که خواستند فقر و خاک‌ساری را به تخت مملکت‌داری بدل کرده و از سریر مسکنت نزول کرده و به تخت سلطنت عروج کرده» (همان، ۲۵۹).

وی درباره شیخ جنید می‌نویسد: «سیرت اجداد را تغییر داد و مرغ و سوساس در آشیانه خیالش بیضه هوای مملکت‌داری نهاد. لاجرم در فضای سودا پروازها می‌کرد و باز فکرت را جهت صید مملکت هر ساعت به تسخیر بومی و کشوری می‌گفتند(همان، ۲۵۹-۲۶۰).

در توصیف شیخ جنید و شیخ حیدر می‌گوید: «به طبیعت شیخ جنید و شیخ حیدر خلق افعریت لایح بود.

چه همواره همچو مار جهت انجبار، زهر ادبار به دیار شروان می‌پاشیدند... و شربت عیش هستی مردمان آن ناحیه را به زهراب تنگیض مشروب می‌ساختند(همان، ۲۶۳). مؤلف در خصوص مریدان شیخ جنید می‌نویسد: «هنگامی که چراغ حیات جنید در هوای آرزوی ملک فرو نشست، شرر وجود والدش شیخ حیدر در آمد افروختن گرفته بود، جهال روم که زمره ضلال و جنود شیاطین خیال بودند، ناقوس باطل نصاری را بر بام دیو

**ضدیت فضل با اعمال و مشی سیاسی و مذهبی رهبران صفویه از جنید
به بعد، ظاهراً به این نتیجه منتهی شد که وی مخالف شیعه است. حال
آنکه در هیچ یک از آثار وی عبارتی مبنی به طعن و لعن و بدگویی متوجه
مذهب شیعه نیست؛ بر عکس، وی به اهل بیت، ائمه اطهار و خاصه
حضرت علی (ع)، ارادت می‌ورزد**

بعد و تألیف کتاب «ابطال نهج الباطل و اهمال کشف الباطل»، ظاهراً به این نتیجه منتهی شد که وی مخالف شیعه است. حال آنکه در هیچ یک از آثار وی عبارتی مبنی به طعن و لعن و بدگویی متوجه مذهب شیعه نیست. بر عکس، وی به اهل بیت، ائمه اطهار و خاصه حضرت علی (ع)، ارادت می‌ورزد. این امر در کتاب مهمان نامه بخارا و عالم آرای امینی به وضوح دیده می‌شود که اعتقادات شیعی و عرفانی مؤلف را نشان می‌دهد. شاید به همین دلیل است که در برخی از کتب رجال، او را پیرو مذهب شیعه آورده‌اند. آثار وی، به ویژه سلوک الملوک، یکی از مهم‌ترین آثار فقهی و سیاسی سده ۹-۱۰ محسوب می‌شود که از منظر مطالعات اسلامی بسیار ارزشمند است.

منابع:

- خنجی، فضل‌الله بن روزبهان، (۱۳۸۲)؛ تاریخ عالم آرای امینی؛ تصحیح محمد اکبر عشیق؛ میراث مکتوب؛ تهران.
- خنجی فضل‌الله بن روزبهان، (۱۳۸۶ هـ ق/ ۱۹۶۶ م)؛ سلوک الملوک؛ محمد نظام‌الدین؛ حیدرآباد دکن.
- خنجی فضل‌الله بن روزبهان (۱۳۴۱)؛ مهمان نامه بخارا؛ تصحیح منوچهر ستوده؛ بنگاه ترجمه و نشر کتاب؛ تهران.
- حسن زاده، اسماعیل؛ حکومت ترکمانان قراقوینلو و آق قوینلو در ایران؛ سمت؛ تهران. ۱۳۷۹
- سیوری، راجر؛ ایران عصر صفوی؛ ترجمه کامبیز عزیزی؛ نشر مرکز؛ تهران. ۱۳۷۲
- خنجی، محمدامین؛ فضل‌الله بن روزبهان خنجی؛ فرهنگ ایران زمین؛ ج ۴؛ تهران؛ ۱۳۳۵ خورشیدی.

پی‌نوشت‌ها:

۱. نسخه ناقص این کتاب در کتابخانه مرحوم آیت‌الله نجفی مرعشی در قم موجود است. ص بیست و هفت، مقدمه مصحح، عالم آرای امینی ۶۹.

غزالی، (۵۰۵ هـ ق)، النهایه ابن‌اثیر جزری (۶۰۶ هـ ق)، منهاج و روضه للنروی (۱۸۲ هـ ق)، انوار شافعیه، جمال‌الدین اردبیلی (۷۹۹ هـ ق)، صراط‌المستقیم مجدالدین محمدبن یعقوب فیروز آبادی شیرازی (۸۱۷ هـ ق)، حاوی (فقهه شافعی) شرح منهاج کمال‌الدین الدمیری (۸۰۸ هـ ق) نام می‌برد. مؤلف در هریک از ابواب کتاب، نخست به تعریف واژه‌های کلیدی آن باب می‌پردازد و آن واژه را از دیدگاه فقهی توضیح می‌دهد. سپس، بر اساس تعاریف قرآن، احادیث، سنت پیامبر (ص)، خلفای راشدین، علمای فقه شافعی و حنفی شرح می‌دهد و صحت و اعتبار تئوری‌های خود را بر مبنای آن شواهد تصحیح و تقویت می‌کند. تفصیل مطالب کتاب شامل اعمال امام و سلطان و رابطه وی با مسلمانان از اهل عدل، یاغیان، مرتدان، کافران از اهل کتاب و غیرایشان. تصرف در نصب و لات شریعت، قضات، محتسبان، داروغگان، والیان مظالم، حفاظ ثورر، عاملان خراج، عاشران زکوة.

حفاظ طرق و عسسان، تصرف در اموال خمس، غنایم، خراج، جزیه، لقطه، عشور، هدایا و مال فیء، اموال ضایعه و متخلفه، اجراء حدود شریعت، تعزیرات، نحوه جنگ با اهل بغی، مرتدان و کفار حربی، غنایم، انفال و طریقه بر خورد با اهل جزیه و امان و ... است (همان ۴۰). تألیف این کتاب در سال ۹۲۰، در بخارا به انجام رسید.

نتیجه: فضل‌روزبهان خنجی، نخست اندیشمندی متشروع است. وی حتی زمانی که به تشریح حوادث تاریخی و تاریخ‌نگاری می‌پردازد، بنا به مقتضای شرایط، جهت‌گیری مذهبی و فقهی خود را ابراز می‌کند. از این رو، آثار و مطالب او مشحون از عبارات فقهی، شرعی و حقوقی است، تألیفات فضل‌الله، به لحاظ حوادث دوران آق‌قوینلوها خاصه یعقوب به بعد و وقایع ماوراءالنهر و تلاش رهبران جنبش صفویه به‌ویژه از شیخ صفی به بعد حائز اهمیت است. گذشته از عبارات پرتکلف و مغلق در خصوص سلاطین آق‌قوینلو و ازبکان و حتی رهبران صفویه، عدم تعصب و معیارهایی را که در نگارش وقایع تاریخی به آن اعتقاد دارد و در کتابش از آن یاد می‌کند، ضدیت وی با اعمال و مشی سیاسی و مذهبی رهبران صفویه از جنید به